

واکاوی مفهوم تبعیض نژادی و راهبردهای مقابله با آن

بر مبنای فرمایشات حضرت علی علیه السلام

دکتر مرجان کیان،* فهیمه نظام الاسلامی،** سحر موسی وند***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین و تشریح دیدگاه‌های حضرت علی علیه السلام درباره مسئله تبعیض نژادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی بشر است. بدین منظور از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. نمونه موردبررسی، متن کامل نهج البلاغه، اسناد و منابع معتبر علمی - دینی از طریق روش کتابخانه‌ای و الکترونیکی است. براساس یافته‌ها می‌توان اذعان داشت که حضرت علی علیه السلام ملاک برتری بین افراد بشری را تقوی می‌دانند. برای رفع

* - استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

m.kian44@yahoo.com

** - کارشناس ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی.

nfahime63@gmail.com

*** - کارشناس ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه خوارزمی.

m_sahar65@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۰



معضل تبعیض نژادی، چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، راهکارهایی از جمله اتحاد و همبستگی همه‌جانبه، تشریک مساعی مبتنی بر تقوا، ترویج فرهنگ مشورت و... به‌دست آمد. بر اساس فرمایش‌های حضرت علی علیه السلام هر جایی که ردپایی از روحیه غرور و استکبار باشد، حق افراد مظلوم و ستمدیده پایمال می‌شود. باوجود آنکه نژادپرستان ارزش‌هایی مثل رنگ، پوست، زبان، نژاد، استعداد، قومیت و ملیت را عامل برتری می‌دانند، در دین اسلام معیار برتری انسان‌ها، پرهیزکاری و تقوی است.

واژه‌های کلیدی

تبعیض نژادی، حضرت علی علیه السلام، نهج البلاغه، تقوی.

مقدمه

امروزه مفهوم حقوق بشر، محیط زیست، اصلاحات، دموکراسی، تکثرگرایی و آزادی مورد توجه است و افراد درصددند تا خود را به‌نوعی مدافع این واژه‌ها نشان دهند. البته کمتر کسی واژه‌های مانند «تبعیض نژادی»^۱، «آپارتاید»^۲ و «نژادپرستی» را که هر سه واژه از یک مقوله‌اند، می‌شناسد و هزاران نفر به‌طور عمیق این وضعیت رنج‌آور را درک نمی‌کنند؛ اما میلیون‌ها انسان به‌طور مستقیم از این شیوه‌های غیرانسانی که حقوق آن‌ها را در تمام زمینه‌ها پایمال کرده است، رنج می‌برند. بر اساس کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، مفهوم تبعیض نژادی اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت

1-Racial Discrimination.
2-Apartheid.

یا رجحانی که براساس نژاد و رنگ یا نسب یا منشأ ملی یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن، از بین بردن یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد. (مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱، ۱۹۶۵)

هر چند در جهان معاصر، تبعیض نژادی جزء خشونت‌های جدی حقوق بشر به حساب می‌آید، به واسطه آزمندی و تأمین منافع برخی از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و در برخی موارد دولت‌ها، انواع تبعیض‌ها برضد برخی از افراد و گروه‌های دیگر بر حسب نژاد، رنگ پوست، دین، نسل یا ریشه ملی آن‌ها اعمال می‌شود و توده عظیم انسانی در رنج زندگی می‌کنند. (خداوردی، ۱۳۸۴: ۳۷) تبعیض نژادی زمانی پدید می‌آید که شخصی از نظر گروهی، مقبول واقع نمی‌شود و این نبود مقبولیت، ناشی از نژاد، رنگ پوست، دین یا اصالت ملی و قومی وی است. (حقوق بشر استرالیا^۲، ۲۰۱۲)

آپارتاید در زبان آفریکاس^۳ به معنای جدایی و جداسازی است و نامی است که دولت آفریقای جنوبی به نظام تبعیض نژادی خود داده بود. این واژه نخستین بار در سال ۱۹۴۳ در روزنامه دی بورگر^۴، وابسته به حزب ملی‌گرای آفریقای جنوبی به کار رفت. ظاهراً علت انتخاب واژه آپارتاید این بود که با استفاده از واژه‌ای خارجی در انگلیس، چیزی بیگانه و شوم القا شود. تدوین

1-United Nations General Assembly

2-Australian Human Rights Commission

3- Afrikaans (زبان سفیدپوستان هلندی تبار آفریقای جنوبی)

4-Deborger

سیاست آپارتاید، کار کمیسیون ویژه‌ای بود که از طرف حزب ملی گرا تشکیل شده بود. معنی و ماهیت واقعیت آپارتاید چنین است:

زندگی پرامتیاز و پرتنعم برای اقلیت سفیدپوست، بر پایه استثمار شدید نیروی کار اکثریت غیرسفیدپوست و نظام تبعیض نژادی، سکنه سفیدپوست را که کمتر از یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل می‌داد، قادر ساخته بود کنترل امور جمهوری را عملاً به دست داشته باشند و به استثمار اکثریت غیرسفید پوست ادامه دهند. (اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، ۲۰۱۴)

«تبعیض نژادی» هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و رجحانی است که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب یا منشاء ملی یا قومی به وجود آمده است. تبعیض نژادی یعنی برتری انسانی بر انسان دیگر یا گروهی بر گروه دیگر به واسطه ویژگی‌هایی ذاتی و غیراکتسابی مانند رنگ پوست، زبان، نژاد، استعدادهای خدادادی، قومیت و ملیت. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

جامعه‌شناسان، مورخان و انسان‌شناسان معتقدند وقتی دو گروه با رنگ پوست و ظاهر فیزیکی متفاوت با هم در تماس قرار می‌گیرند و بر سر موضوعی رقابت می‌کنند، تبعیض نژادی با شدت و خشونت بیشتری بروز می‌کند؛ اما جوامعی که عاری از هرگونه درگیری نژادی هستند، از پتانسیل همه شهروندان خود بهره برده و به‌سوی حذف این تعصبات گام می‌بردارند. (کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی^۲، ۲۰۰۱)

تبعیض نژادی و حل این معضل از دیرباز از مباحثی بوده که مطمح‌نظر بسیاری از اندیشمندان بشری قرار گرفته است. اولین پرسشی که در این باره

1-Universal Declaration of Human Rights.
2- World Conference against Racism.

مطرح می‌شود، این است که چرا تبعیض و تفاوت در جهان دیده می‌شود؟ در این میان تمایز بین دو واژه تفاوت و تبعیض را باید دانست. آنچه در خلقت وجود دارد، تفاوت است نه تبعیض. «تبعیض» آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین اشیاء فرق گذاشته شود؛ ولی «تفاوت» آن است که در شرایط نامساوی، فرق گذاشته می‌شود؛ به عبارت دیگر تبعیض از ناحیه دهنده است و تفاوت از ناحیه گیرنده است. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۰۱)

بدین ترتیب، مکتب حیاتبخش اسلام، نه تنها از حق حیات، بلکه از حق آزادی، حق دادخواهی، حق برابری، حق امنیت، حقوق اقلیت‌ها و ده‌ها حقوق دیگر که امروزه برخی از آن‌ها مفاد بیانیه جهانی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند، به روشنی و آگاهانه یاد کرده است. (جعفری، ۱۳۹۲)

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرالمومنین حضرت علی عَلِيٌّ نیز در مقام عمل حقوق اساسی بشر را به بهترین وجه اجراء کرده و تصویری از تعالی حقوق بشر در عصر خود را برای تمامی عصرها و نسل‌ها به نمایش گذاشته‌اند.

انسان موجودی اجتماعی است و برای بهزیستی و همزیستی مسالمت‌آمیز، ناگزیر به همکاری با دیگران، مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، پذیرش مسئولیت و داشتن سهمی برای سازندگی جامعه خویش است؛ زیرا نیازها و خواسته‌های گوناگون، او را وادار می‌کند که با مساعدت و یاری دیگران، موانع و مشکلات را از پیش پای خود بردارد و اطمینان و آرامش خود را حفظ و به سوی کمال مطلوب حرکت کند. (سبحانی‌نژاد و رضایی، ۱۳۹۱)

از نظر امام علی عَلِيٌّ، زندگی اجتماعی برای انسان‌ها ضروری است و بدون آن قادر به استمرار حیات مادی و معنوی نخواهند بود. امام خود ضرورت

زندگی اجتماعی را چنین اعلام می‌کنند که هیچ‌کس چون من به ضرورت زندگی اجتماعی و وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، ایمان و اعتقاد ندارد. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی مسئله تبعیض نژادی و راهکارهای مقابله با آن بر اساس فرمایش‌های حضرت علی علیه السلام است، امید اینکه از رهیافت این پژوهش گام‌هایی انسانی و اخلاقی برای زندگی اجتماعی بشر برداشته شود.

پرسش‌های پژوهش

از آنجایی که امروزه جوامع بشری دست به گریبان معضل تبعیض نژادی است، در این پژوهش بر آن شدیم کلام مولا علی علیه السلام را مبنا قرار دهیم تا بتوانیم بر مبنای این فرمایش‌ها، راه‌حلی نظری و عملی ارائه دهیم؛ بنابراین پرسش‌هایی که در این پژوهش بررسی می‌شوند، عبارت‌اند از:

- تبعیض نژادی از منظر فرمایش‌های حضرت علی علیه السلام چه جایگاهی دارد؟
- راهبردهای مقابله با تبعیض نژادی از نظر حضرت علی علیه السلام کدام است؟

روش‌شناسی

در این مطالعه مفهوم تبعیض نژادی به معنای آنچه در کنوانسیون رفع تبعیض نژادی مطرح شده، مورد توجه بوده؛ اما این مفهوم با استناد به سخنان گوهربرار حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه و به صورت موشکافانه، با روش کیفی تحلیل و بررسی شده است.

از آنجایی که ماهیت انجام پژوهش، تحلیل اسنادی است و مجموع منابع و اسناد معتبر استفاده شده‌اند، شیوه انجام پژوهش، توصیفی با رویکرد تحلیلی

انتخاب شده است. در این شیوه، با بررسی اسناد و منابع مکتوب و متون معتبر اسلامی، فرمایش‌های حضرت علی علیه السلام تحلیل کیفی شده‌اند. منابع مکتوب و الکترونیکی معتبر اسلامی از جمله نهج البلاغه و متون اسلامی بالادستی نیز به صورت تحلیل محتوا بررسی شده و داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند تا راهبردهای مبارزه با تبعیض نژادی از نظر حضرت علی علیه السلام به تصویر کشیده شود.

جایگاه تبعیض نژادی در دوران حکومت حضرت علی علیه السلام

با نگاهی اجمالی به دوران حکومت حضرت علی علیه السلام متوجه می‌شویم که مسئله تبعیض نژادی و مبارزه با آن یکی از دغدغه‌های ایشان بوده است. در آن زمان در شهر کوفه مانند سایر قبایل عرب، به مسئله قبیله، عشیره و تعصب نسبت به آن، توجه خاصی می‌شد و عشیره در نظر آن‌ها بهتر از هر چیزی جلوه می‌کرد و رقابت‌های طایفه‌ای نمود بارزی داشت. حضرت علی علیه السلام از این فرهنگ عصبیت^۱ به ستوه آمده بودند و با ایراد خطبه‌ای^۲ در این باره قصد داشتند رسم تعصب قبیله‌ای را بشکنند و روحیه برتری‌جویی نسبت به دیگران را شکست دهند. حضرت امیر این خطبه را در حالی که سوار بر اسب در محلی

۱. عصبیت از ماده (عصبه) است. عصبه، قوم و خویش‌های پدری را می‌گویند. هرگاه قبیله‌ای می‌خواست با قبیله‌ای دیگر در جاهلیت، تفاخر کند یا نزاع نماید، به سراغ عموها و عموزاده‌های خود می‌رفت و آنان را وارد معرکه می‌کرد؛ لذا به این اعتبار عصبیت به معنای افتخار فروختن و استعانت به وسیله عصبه و قوم و خویش‌های پدری است. در هر صورت برتری نژادی و برتری طایفه‌ای را عصبیت می‌گویند. (لسان العرب، ۱، ۶۰۵).

۲. خطبه ۱۹۲- این خطبه را «قاصعه» یعنی تحقیرکننده نامیدند که در آن حضرت ارزش‌های جاهلی را کوچک و خار شمرده‌اند.

که روسا و سران قبایل جمع بودند، ایراد کردند. حضرت خطبه را با داستان تکبر شیطان و مطرود و منفور شدنش ذکر می‌کنند؛ زیرا شیطان نخستین کسی است که روحیه استکبار و تعصب در او ظاهر می‌شود و بر آدم فخر می‌فرشد و در اثر همین استکبار، ملعون و مطرود از رحمت الهی می‌شود. ایشان در این بیان به مخاطبان می‌فهمانند که هر کس در خود روحیه استکبار و خودبینی داشته باشد، به همان راه شیطان رفته است. حضرت در اولین جمله به این صورت پروردگار را ستایش می‌کنند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ الْعَزَّ وَالْكَبْرِيَاءُ»؛ ستایش خداوندی را سزااست که لباس

عزت و بزرگی پوشید.

به نظر می‌رسد استفاده کردن حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام از واژه لباس، کنایه از احاطه داشتن عزت و بزرگی خداوند بر همه چیز است و چون این گونه است، جایی برای ابراز وجود ماسوی الله نمی‌ماند. در جمله بعد ایشان می‌فرمایند:

«و اختارهما لنفسه دون خلقه، و جعلهما حمى و حرماً على غيره»؛ و آن دو را

برای خود انتخاب و از دیگر پدیده‌ها باز داشت. (نهج البلاغه، ۱۹۲)

کسی را جایگاه عزت و بزرگی جز پروردگار نیست؛ پس همین جمله، برتری نژادی را باطل و به دور از حقیقت می‌داند. جامعه مدنظر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام جامعه‌ای است که بر اساس مفاهیم عالی انسانی و نه نژادی بر پا شود. (جردق، ۱۳۷۹: ۵۳)

راز تفاوت انسان‌ها

با نگرستن به جهان پیرامون خود، تفاوت‌های زیادی بین همه موجودات یافت می‌شود. این تفاوت‌ها چگونه تبیین می‌شود؟ آیا باید گفته شود، کسی که جزء

ملت‌های مترقی، دارای پوستی سفید و اندام متناسب است، بر انسان‌های دیگری که جزء ملت‌های کمتر توسعه یافته، دارای پوستی سیاه و اندام ناموزون است، برتری دارد؟ این مسئله مبتنی بر وجود تفاوت‌هاست که از نظر حضرت علی (علیه السلام) چنین بیان می‌شود:

«إِنَّمَا فَرْقٌ بَيْنَهُمْ مَبَادِيُ طِينِهِمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا فَلَاقَةً مِنْ سَبَخِ أَرْضٍ وَ عَذْبِهَا وَ حُرْنِ تُوْبَةٍ وَ سَهْلَهَا فَهَمُّ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَقَارَبُونَ وَ عَلَى قُدْرِ إِخْتِلَافِهَا يَتَفَاوَتُونَ فَتَأْمُ الرُّوَاءِ نَاقِصُ الْعَقْلِ وَ مَاذُ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمَّةِ وَ زَاكِي الْعَمَلِ قَبِيحُ الْمَنْظَرِ وَ قَرِيبُ الْقَعْرِ بَعِيدُ السَّبْرِ وَ مَعْرُوفُ الصَّرِيْبَةِ مُنْكَرُ الْجَلِيْبَةِ وَ تَائِهَةُ الْقَلْبِ مُتَفَرِّقُ اللَّبِّ وَ طَلِيْقُ اللِّسَانِ حَرِيْدُ الْجَنَانِ»؛ علت تفاوت‌های مردم، گوناگونی سرشت آنان است؛ زیرا آدمیان در آغاز، ترکیبی از خاک شور و شیرین، سخت و نرم بودند؛ پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان با هم، نزدیک و به اندازه دوری آن از هم، دور و متفاوت‌اند. یکی زیباروی و کم‌خرد، دیگری بلندقامت و کم‌همت، یکی زشت‌روی و نیکوکار، دیگری کوتاه‌قامت و خوش‌فکر، یکی پاک‌سرشت و بداخلاق، دیگری خوش‌قلب و آشفته‌عقل و آن دیگری سخنوری دل‌آگاه است؟ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴)

حضرت علی (علیه السلام) انسان‌ها را از لحاظ خلقت یکسان و همانند معرفی می‌کند. در ادامه بیان می‌کنند که این انسان‌ها متفاوت آفریده شده‌اند. تفاوت‌ها علل و عوامل طبیعی داشته و به شرایط زندگی، نوع تغذیه و شرایط اجتماعی محیط زیست ارتباط دارد. این امر می‌تواند شبهات مربوط به عدل الهی را نیز پاسخ گوید. در تکمیل پاسخ به تفاوت‌ها باید گفته شود که راز تفاوت‌ها یک کلمه است؛ تفاوت موجودات، ذاتی آن‌ها است و این تفاوت لازمه نظام علت و معلول است. معنای نظام علت و معلول این است که هر معلولی، علت خاص و هر علتی، معلول ویژه دارد. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۰۳)

ملاک برتری انسان‌ها در کلام مولا علی علیه السلام

اگر نژادپرستان، ملاک برتری انسان‌ها و ملت‌ها را به نادرستی، رنگ پوست، نژاد و قومیت و اموری از این قبیل می‌دانند، در مقابل این مواضع، امام علی علیه السلام معیار دیگری را ملاک برتری انسان‌ها برمی‌شمارند. همان‌گونه که در قرآن، خداوند ملاک برتری را تقوی معرفی می‌کنند. حضرت علی علیه السلام ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر را نیز تقوی معرفی می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَكْثَرُكُمْ ذِكْرًا لَهُ وَ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَثْقَاكُمْ لَهُ وَ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ لَهُ خَوْفًا»؛ محبوب‌ترین شما نزد خدا کسانی هستند که ذکر زیاد دارند و گرامی‌ترین شما نزد خدا کسانی هستند که با تقواترند و نجات‌یافته‌ترین شما کسانی هستند که بیشترین خوف را (از خداوند) دارند.

(نوری، ۱۴۰۸: ۱۷۵)

با توجه به این آیه حضرت می‌فرمایند:

«اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَاسْعَوْا فِي مَرْضَاتِهِ، وَاحْذَرُوا مَا حَذَرَكُمْ مِنَ أَلِيمِ عَذَابِهِ»؛ سعی در رضای خدا داشته باشید و بترسید از آنچه شما را از سختی عذاب آن برحذر نموده‌اند. (آل عمران، ۱۰۲) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۹)

حضرت علی علیه السلام درباره کسی که حق تقوا را آن‌گونه که شایسته است، به جا می‌آورد، می‌فرمایند:

«مَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ أَغْطَاهُ اللَّهُ أَنْسًا بِلَا أُنَيْسٍ وَ غَنَاءً بِلَا مَالٍ وَ عِزًّا بِلَا سُلْطَانٍ»؛ خداوند به او چیزهایی عطا می‌کند بدون لوازم معمول، مانند انس بدون انیس، بی‌نیازی بدون مال و عزتی بدون سلطنت. (طبرسی،

(۱۳۸۵: ۴۴)

حضرت علی علیه السلام تقوا را به عنوان ریسمانی استوار و دستگیره محکم و قله بلندی که پناهگاهی مطمئن است، معرفی می کنند:

«فَاعْتَصِمُوا بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ لَهَا حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَةً وَ مَعْقَلًا مَنِيعًا ذُرْوَةً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰)

در خطبه همام از نظر حضرت علی علیه السلام سیمای کسانی که اهل تقوا هستند، این گونه ترسیم می شود:

«فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ وَ مَسْبِيهِمُ التَّوَاضُعُ خَضَعُوا لِلَّهِ بِالطَّاعَةِ فَهَيْئُوا غَاضِينَ أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ»؛ اما پرهیزگاران در دنیا دارای فضیلت های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می پوشانند و گوش های خود را وقف دانش سودمند کرده اند و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است و اگر نبود مرگی که خدا بر آنها مقدر فرموده، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدن ها قرار نمی گرفت، از شوق دیدار بهشت و از ترس عذاب جهنم، خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند.» (همان، خطبه ۱۹۳)

راهبردهای نظری مربوط به تبعیض نژادی

حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه^۱ راجع به تبعیض نژادی و پرهیز از آن، مطالبی بیان داشته اند. ایشان در تبیین نفی تبعیض نژادی، مردم را به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱. نامه به مالک اشتر در سال ۳۸ هجری، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید، آن هنگام که اوضاع محمد بن ابی بکر متزلزل شد. این نامه از طولانی ترین نامه هاست که زیبایی تمام نامه های حضرت را دارد.

«فَأَيُّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْكُكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَنْظِرُكَ فِي الْخَلْقِ»؛ دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش، همانند تو هستند.» (نهج البلاغه، ۴۰۵)

این فراز بیانگر نفی نژادپرستی و نفی خودبرتربینی و تأیید این است که همه ملت‌ها برادر و برابرند. در قرآن کریم به همانندی و یکسان بودن انسان‌ها در آفرینش اشاره شده است. به عنوان مثال خداوند، آفرینش انسان‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾؛ ای مردم اگر در روز قیامت و قدرت خدا بر بعت مردگان شکی دارید، شما را نخست از خاک آفریدیم، آنگاه از آب نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام تا در این انتقال و تحولات، قدرت خود را بر شما آشکار سازد. (حج: ۵)

در آیه‌ای دیگر به این امر اشاره شده است:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ﴾؛ و همانا ما انسان را از گل و لای سالخورده تغییر یافته بیافریدیم. (حجر: ۲۶)

در تبعیت از این آیه حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه داستان آفرینش انسان را این‌گونه بیان می‌کند:

«ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَرْنِ الْأَرْضِ وَ سَهْلَيْهَا وَ عَدْبَيْهَا وَ سَبَخَهَا تُرْبَةً سَنَهَا [سَنَاهَا] بِالْمَاءِ حَتَّىٰ خَلَصَتْ وَ لَاطَهَا بِالْبَلَّةِ حَتَّىٰ لَزِبَتْ فَجَبَلَ مِنْهَا ضَوْرَةً ذَاتَ أَحْنَاءٍ وَ وُضُولٍ وَ أَعْضَاءٍ وَ فُضُولٍ أَجْمَدَهَا حَتَّىٰ اسْتَمْسَكَتْ وَ أَضْلَدَهَا حَتَّىٰ صَلَصَلَتْ لَوْقَتٍ مَّعْدُودٍ وَ أَمَدٍ [أَجَلٍ] أَجَلٍ مَّعْلُومٍ ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَتَمَثَّلَتْ فَمَثَّلَتْ [فَتَمَثَّلَتْ] إِنْسَانًا ذَا أَدْهَانٍ يُجِيلُهَا وَ فِكْرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا وَ جَوَارِحَ يَحْتَدِمُهَا

وَ أَدْوَاتٍ يُقَلِّبُهَا وَ مَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ الْأَذْوَاقِ وَ الْمَشَامِّ وَ الْأَلْوَانِ وَ الْأَجْنَاسِ مَعْجُونًا بِطَبِئَةِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَ الْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ [الْمُتَّفِقَةِ] وَ الْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ وَ الْأَخْلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ مِنَ الْحَرِّ وَ الْبُرْدِ وَ الْبِلَّةِ وَ الْجُمُودِ؛

سیس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم و شور و شیرین، گردآورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید که از آن، اندامی شایسته و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید. آن را خشکانید تا محکم شد، خشکاندن را ادامه داد تا سخت شد تا زمانی معین و سرانجامی مشخص، اندام انسان، کامل گردید. آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد، دارای نیروی اندیشه که وی را به تلاش اندازد و دارای افکاری که در دیگر موجودات، تصرف کند. به انسان اعضاء و جوارحی بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود که آن‌ها را در زندگی به کار گیرند. قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد و حواس چشایی و بویایی و وسیله تشخیص رنگ‌ها و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون و چیزهای همانند و سازگار و نیروهای متضاد و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تری و خشکی قرار داد. (نهج البلاغه، خطبه ۱، ۲۳)

در خطبه دیگر از سخنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به ویژگی‌های بیولوژی و فیزیولوژی انسان توجه شده است:

«أَمَ هَذَا الَّذِي أَنْشَأَ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْحَامِ، وَ شَغَفِ الْأَسْتَارِ، نَطْفَةً دِهَاقًا، وَ عَلَقَةً مَحَاقًا، وَ جَنِينًا وَ رَاضِعًا، وَ وِلِيدًا وَ يَافِعًا، ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا، وَ لِسَانًا لَافِظًا، وَ بَصْرًا لَاحِظًا، لِيَفْهَمَ مَعْتَبِرًا، وَ يَقْصُرَ مَزْدَجِرًا. حَتَّى إِذَا قَامَ اعْتَدَالُهُ، وَ اسْتَوَى

مثالاً، نفر مستکبراً، و خبط سادراً، ماتحاً فی غرب هواة، کادحاً سعياً لدنیاة، فی لذات طریبه، و بدوات اربه؛ مگر انسان، همان نطفه و خون نیم‌بند نیست که خدا او را در تاریکی‌های رحم و غلاف‌های تو در تو، پدید آورد؟ تا به صورت جنین درآمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا در نوجوانی، رسیده گردید. سپس او را دلی فراگیر و زبانی گویا و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند و از بدی‌ها بپرهیزد و آنگاه که جوانی در حد کمال رسید و بر پای خویش استوار ماند، گردن‌کشی آغاز کرد و روی از خدا گرداند و در بیراهه گام نهاد و برای به‌دست آوردن لذت‌های دنیا تلاش فراوان کرد و سرمست شادمانی دنیا شد. وی هرگز نمی‌پندارد مصیبتی پیش آید. (همان، خطبه ۸۳، ۹۹)

راهبردهای عملی مقابله با تبعیض نژادی

در میان ملت‌ها افرادی هستند که ملاک برتری را ارزش‌های اعتباری انسان‌ها می‌دانند، ارزش‌هایی چون رنگ پوست، منطقه جغرافیایی، زشتی، زیبایی و غیره؛ در صورتی که با توجه به کلام مولی‌الشیخ، ارزش حقیقی و برتری واقعی همانا تقواست و اگر همه جوامع بشری ملاک تقوی را سرلوحه امور زندگی قرار دهند، هیچگاه به ورطه سهمناک تبعیض نژادی گرفتار نخواهند شد.

۱. اتحاد و همبستگی همه‌جانبه

یکی از آداب معاشرت و حسن سلوک و خوش‌رفتاری با مردم، روحیه هماهنگی و همبستگی است؛ زیرا از جمله حقایق مسلم و انکارناپذیر که

هیچگونه شک و تردیدی در آن راه ندارد، لزوم اتحاد و همبستگی در اجتماع است. در این امر که آیا انسان بر حسب فطرت، اجتماعی است یا آنکه بر اثر ضرورت و نیاز، تن به زندگی اجتماعی داده است، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی در هر حال، بشر بدون تعاون و اجتماع نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد و تا افراد جامعه با یکدیگر متحد نشوند و هم‌یاری نداشته باشند، موفقیتی نصیبشان نخواهد شد. (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۶۰۵)

در دین مبین اسلام و سفارش‌هایی که از بزرگان دین به ما رسیده، بر وحدت و یکپارچگی تأکید بسیاری شده است؛ چراکه با وجود وحدت است که افراد موانع و مشکلات را از سر راه برمی‌دارند و به هدف نهایی جامعه خود می‌رسند. اسلام همه مسلمانان را ملت واحد معرفی می‌کند. خداوند در قرآن، انسان‌ها را امت واحد می‌داند:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ (مومنون، ۵۲)

از این آیه روشن می‌شود که ملاک و معیار وحدت مسلمانان، عقیده و ایمان است و مرزی جز اسلام ندارند و به همین جهت اختلافات نژادی، قومی، زبانی، اقلیمی و شهری نمی‌تواند و نباید باعث تفرقه و جدایی شود. در بین مسلمین پیوندی اسلامی برقرار است و همه به منزله پیکر و همگی با هم برادرند. (همتی، ۱۳۷۳: ۱۰۳)

از نظر حضرت علی علیه السلام اتحاد عامل قدرت است، چنانکه در این باره ایشان می‌فرمایند:

«انه لم یجتمع قوم قط علی احرٍ واحدٍ إلا اشدت أمرهم واستحکمت عُقدتهم... لم یتمتع قوم قط إلا رفع الله عنهم العله و کفاهم جوائح الذله و هذا هم الی معالم المله»؛ هیچ ملتی درباره انجام کارها با هم متحد نشد، جز اینکه نیرو گرفت و

قدرت پیدا کرد. هیچ ملتی از این قدرت بهره نگرفت، مگر اینکه خداوند گرفتاری آنان را برطرف کرد و آنها را از بلای ذلت نجات داد و معالم و نشانه‌های دین را به آنها نمایاند. (معتزلی، ۱۴۰۴: ج ۳)

آنچه در سخنان حضرت علی علیه السلام در بحث اصول روابط اجتماعی رهبران برداشت می‌شود، این است که ایشان رهبر جامعه را به زنده‌نگه‌داشتن آداب پسندیده‌ای که امت اسلامی را به هم پیوند می‌زند، سفارش می‌کند. ایشان بر پدیدنیامدن آدابی تأکید دارد که به سنت‌های خوب گذشته لطمه می‌زند، سنت‌هایی که باعث از بین بردن پیوند انسان‌ها با یکدیگر می‌شود. از دیدگاه امام علی علیه السلام درست است که همه سنت‌ها اصالت ندارند؛ اما نباید همه سنت‌ها طرد شوند، بلکه باید با ارزیابی صحیح، سنن و آداب نیکو را محترم شمرد:

«وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَا تُحْدِثَنَّ سُنَّةً تَضُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ فَيَكُونَنَّ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا»؛ آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاور.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

۲. همکاری مبتنی بر تقوا

طبق اصل تعاون و همکاری، تمام مسلمانان وظیفه دارند در کارهای نیک و پسندیده به کمک یکدیگر بشتابند؛ بنابراین، کسی که می‌خواهد متخلق به اخلاق حسنه باشد، باید بکوشد تا روح همیاری و همدردی را در خود ایجاد کند و با ریاضت و اقدام عملی، حالت بی‌تفاوتی و خونسردی و سوز و گداز و

حس فردگرایی را به روح اجتماعی مبدل سازد؛ یعنی همین که احساس ناراحتی و نیاز در برادر دینی خود کرد، بی درنگ وارد عمل شود و در رفع مشکل او اقدام مقتضی معمول دارد و چه بهتر آنکه پیش از تقاضا و استغاثه او، در مقام یاری و اغاثه برآید تا برادر دینی به ذل سؤال دچار نشود. (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۸۳)

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر در نهج البلاغه که یکی از سخنرانی‌های حضرت در صفین است، مردم را به نصیحت یکدیگر و همکاری نیکو دعوت می‌کند. ایشان برپا داشتن حق و یاری دادن به یکدیگر را از حقوق الهی می‌شمارند که هر کس به اندازه وسع خود باید این حقوق را رعایت کند:

«فعلیکم بالتناصح غی ذلک و حسن التعاون علیہ. التعاونُ علی إمامہ الحق بینہم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶: ۳۱۴)

البته باید گفت تعاونی که حضرت امیر علیه السلام از آن سخن می‌گویند، تعاون در طاعت و اطاعت خدا و کارهای نیک است، نه تعاون در معصیت و نافرمانی پروردگار، آنچنان که می‌فرمایند:

«ألا إنَّ الذُّلَّ في طاعةِ الله أقربُ إلي العِزِّ منَ التَّعاونِ بِمَعْصِيَةِ اللهِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۷)

همچنین از نظر حضرت، تعاون عین دینداری و امانت است:

«طلب التعاون علی اقامه الحق دیانہ و أمانہ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)

حضرت امیر علیه السلام در هر جایی سفارش به تعاون و اتحاد داشته‌اند. مثلاً در وصیتی به امام حسن علیه السلام بعد از سفارش به نماز، زکات، روزه، جهاد در راه خدا، کمک به فقرا، امر به معروف و نهی از منکر، به تعاون در کارهای نیک

سفارش می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این سفارش خود تأکیدی بر آیه قرآن است:

«علیکم یا بنی بالتواصل و التبادل و التبادر و إیکم و التقاطع و التدابر و التفرق و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان»؛ ای پسر من شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی بگردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید. در نیکوکاری و پرهیزگاری، با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی، همکاری نکنید. (مائده: ۲)، (حرانی، ۱۴۰۴:ق: ۱۹۹)

اصل تعاون، اتحاد و همبستگی را به همراه می‌آورد، به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند و نسبت به یکدیگر رابطه تساوی دارند، چنانکه با نبود تعاون، اتحاد معنا ندارد و برعکس. چنانچه عده‌ای در رسیدن به این هدف مشترک تعلل کنند، مطمئناً جامعه اسلامی به تعالی نخواهد رسید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ»؛ همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقیری گرسنه نمی‌ماند، جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸)

۳. عدالت

یکی از اصول دین مبین اسلام، اصل عدالت است. وقتی می‌گوییم عدل یکی از اصول دین است، بدین معناست که همپای اصل توحید و نبوت است. در حکمتی از نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام پرسیدند، عدل یا بخشش، کدام یک برتر است؟ حضرت فرمودند:

عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی‌که بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، درحالی‌که بخشش، گروه خاصی را شامل است؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (همان، حکمت، ۴۳۷)

شخص عادل از آن جهت که شخصاً و از نظر اخلاق شخصی و فردی عادل است، در این حد از کمال انسانی است که به حق دیگران تجاوز نمی‌کند، مال کسی را نمی‌برد، متعرض ناموس کسی نمی‌شود. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۰۸) برای اینکه جامعه در سطح بین‌الملل بتواند با عدالت رفتار کند، به زمامداران آن جامعه برمی‌گردد. البته عموم مردم نیز باید عادل باشند و با معنا و مفهوم عدالت چه در حیطة نظری و چه در حیطة عملی آشنا شده باشند تا پذیرش عدالت زمامداران خویش را داشته باشند، نه چون مولا علی علیه السلام که درباره‌اش گفته‌اند: «و قتل فی محرابه لشدۀ عدله»؛ قاتل او، عدل او بود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

حضرت علی علیه السلام به جنبه اجتماعی بودن عدل، بیشتر از فردی بودن آن توجه داشته‌اند و همین جنبه اجتماعی بودن عدل است که مولا علی علیه السلام را به سمت حکومت می‌آورد:

«وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءِ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ ، فَالْجورُ عَلَيْهِ أَضِيقُ»؛ به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است. (همان، خطبه ۱۵)

بر همین مناسبت که حضرت در حدیثی، بهترین نوع عدالت را یاری‌رساندن به مظلوم می‌داند. مظلوم می‌تواند شامل هر نژاد، قوم و ملیتی باشد: «أَحْسَنُ الْعُدْلِ نُصْرَةُ الْمَظْلُومِ».

اسلام اجتماع را به دو طبقه ظالم و مظلوم تقسیم می‌کند، آنچنان‌که مولا علی علیه السلام در حدیثی دیگر، یاری‌رساندن به مظلوم را عدالت می‌داند:

«مَنْ لَوَّازِمِ الْعُدْلِ التَّاهِي عَنِ الظُّلْمِ، از لوازم عدل پایان‌یافتن ظلم است.»

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۴۶)

البته باید دانست که این ظالم می‌تواند از هر قوم، نژاد و ملیتی باشد. از نظر حضرت علی علیه السلام کسی که عدالت را رعایت نکند، دشمن خدا شمرده می‌شود و برای چنین فردی خداوند عواقب بدی در نظر می‌گیرد:

«أَنْصَفِ اللَّهَ وَ أَنْصَفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ! وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ؛ با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی، ستم روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد که با خدا سر جنگ دارد تا آنگاه که بازگردد یا توبه کند. چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران

است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴. ترویج فرهنگ مشورت

یکی از راه‌های رشد و پرورش قوه عقلانی، بهره‌گیری از مشورت است؛ مشورت یعنی یاری‌جستن از عقل و درایت و تجربه دیگران. امام علی علیه السلام در حدیثی مردم را به مشورت کردن سفارش می‌کند:

«عَلَيْكَ بِالْمُشَاوَرَةِ فَإِنَّهَا نَتِيجَةُ الْحَزْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۴۱)

البته فقدان فرهنگ مشورت در میان افراد، سبب می‌شود که فرد به سمت زورگویی و خودرأیی کشانده شود:

«اتَّهَمُوا عُقُولَكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ الثَّقَةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَأُ»؛ فکر و اندیشه خود را متهم

کنید؛ زیرا اعتماد صددرصد مایه خطاست» (همان، ۵۶)

خودرأی بودن، تعصب و لجاجت در فکر و اندیشه را به همراه دارد. جمود و تعصب فکری، باعث سقوط انسان می‌شود؛ چراکه انسان با پافشاری بر آراء خویش و نپذیرفتن نقد دیگران، از حرکت باز می‌ایستد و همین ایستابودن، انسان را به ورطه سقوط می‌کشاند. در سخنی از مولا علی علیه السلام به این مهم اشاره شده است:

«المستشير متحصن من السقط» (همان، ۴۴۲)

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در حکمتی در ذم فردی بودن اندیشه و مدح جمعی مشورت کردن می‌فرمایند:

«مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»؛ هرکس

خودرأی شد، به هلاکت رسید و هرکس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های

آنان شریک شد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

در همین راستا، جامعه باید افراد را به گونه‌ای تربیت کند که توانایی پذیرش نظرات و اندیشه‌های دیگران را داشته باشند. امام تأکید زیادی نیز بر

مشورت کردن حکام و سیاستمداران دارند. در این زمینه ایشان به حضرت عبدالله بن عباس که در مسئله‌ای نظر داد و امام آن را قبول نداشت، فرمودند:

«لک أن تشیر علی و أری، فان عصیتک فأطعنی»؛ بر تو است که رأی خود را به من بگویی و من باید درباره آن ببندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم، باید اطاعت کنی.» (همان، حکمت ۳۲۱)

افرادی که با آن‌ها مشورت می‌شود، باید صفاتی چون بخل، ترس، حرص و غرور در آن‌ها راه نداشته باشد، همچنان که حضرت علی علیه السلام صفاتی را برای فرد مشاور ذکر می‌کنند:

«لا تُدخِلَنَّ فی مشورتک بخیلاً یعدِلُ بِکَ عَنِ الفَضْلِ وَ یُعِدُّکَ الفَقْرَ وَ لا جَباناً یضعِفُکَ عَنِ الأُمُورِ وَ لا حَرِیصاً یُرِینُ لَکَ الشَّرَّ بِالْجُورِ. فَإِنَّ البُخْلَ وَ الجُبْنَ وَ الحِرْصَ عَرَائِزُ شَتَّى یَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»؛ بخیل را در مشورت کردن دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آن‌ها بدگمانی به خدای بزرگ است. (همان، نامه ۵۳، ۴۰۶)

منظور از ترسی که حضرت در این نامه از آن یاد می‌کنند، ترس از خدا نیست؛ چرا که حضرت در جایی دیگر ذکر می‌کنند که لازم است با کسانی که خداترس هستند، مشورت کنید:

«و شاور فی حدیثک الذین یخافون الله» (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۰۴)

در نگاه حضرت علی علیه السلام مشورت کردن آثار اجتماعی نیز در بر دارد، از جمله این آثار شخصیت دادن به مردم و شناخت افراد عاقل و خیرخواه است:

«من نصح مستشیره صلح تدبیره»؛ آن کس که به مشورت گیرنده خیرخواهی رساند، عقل او درست کار می‌کند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۴۳)

از دیگر آثار مشورت، کم شدن خطا و پدید آمدن رأی نو از دل چند نظر متضاد است، آنچنان که حضرت در این باره می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»؛ آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب می‌شناسد. (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳)

۵. صلح و مهرورزی

صلح از جمله اهدافی است که دین مبین اسلام برای عملی کردن آن در بین انسان‌ها تلاش می‌کند. هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست، بلکه باید دانست که صلح عین مصلحت است. البته برای صلح کردن باید شرایطی را در نظر گرفت که اگر در بین دو گروه، شرایط احراز نشد، مطمئناً صلح خدشه‌دار است. اولین سوالی که باید به آن پاسخ داده شود، این است که صلح چه ضرورتی دارد؟

حضرت علی علیه السلام در پاسخ با این سوال می‌فرماید:

«فانما فعلت ذلك ليتبين الجاهل، و يتثبت العالم ولعل الله أن يصلح في هذه الهدنة أمر هذه الامه، و لا توخذ بأكظامها، فتعجل عن تبين الحق، و تنقاد لاول الغي»؛ من این کار را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد و دانا بر عقیده خود استوار بماند و اینکه شاید در این مدت آشتی و صلح، خدا، کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد تا در جست‌وجوی حق شتاب نورزند و تسلیم اولین فکر گمراه کننده نگردند.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵)

صلح شرایطی دارد، حضرت علی علیه السلام مهم ترین شرط برقراری صلح را
 خشنودی پروردگار می دانند:

«وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ لِيَلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَاً
 لِيَجُودِكَ وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَأَمْنًا لِبِلَادِكَ»؛ هرگز پیشنهاد صلح دشمن
 را که خشنودی خدا در آن است، رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش
 فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می شود. (همان، نامه ۵۳)

شرط دیگر در بیان صلح این است که به اسلام خدشه ای وارد نشود. ایشان
 در این باره می فرمایند:

«وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَعُ مِنَ الْقِتَالِ»؛ من صلح را
 مادامی که مایه وهن و سستی اسلام نباشد، کارسازتر از جنگ یافتم. (تمیمی
 آمدی، ۱۳۶۶)

این بیان حضرت صحه ای بر سخن گذشته ایشان است که فرمودند، در
 مدت صلح شاید خداوند کار امت را اصلاح کند. وقتی ملتی با ملت دیگری در
 صلح و مدارا باشد، حس برتری جویی و تبعیض نسبت به طرف مقابل جای
 خود را به دوستی و مهربانی می دهد، آنچنان که امام علی علیه السلام می فرمایند:

«وَأَشْعُرُ قَلْبِيكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبُعًا
 ضَارِيًا»؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و
 مهربان باش، مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را
 غنیمت دانی. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

همواره حضرت همگان را به محبت کردن به یکدیگر دعوت می فرمودند،
 به ویژه محبت کردن به مستمندان و ضعیفان، کسانی که در طول تاریخ مورد ظلم
 افراد زورگویی قرار می گرفتند که در خود حس برتری می دیدند. ایشان همواره
 رسیدگی به امور مظلومان را سرلوحه قرار می دادند:

«الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ كَلَهُ، وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ مِنْهُ»؛ دلیل‌ترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و نیرومند نزد من پست و ناتوان است تا حق را از او بازستانم. (همان، خطبه ۳۷)

نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی و تبیین مفهوم تبعیض نژادی در فرمایش‌ها و سخنان نغز حضرت علی علیه السلام است. براساس بررسی توصیفی تحلیلی دیدگاه ایشان، مبتنی بر احادیث و به‌ویژه نهج البلاغه، می‌توان اذعان داشت که حضرت علی علیه السلام ملاک برتری در بین انسان‌ها را تقوا می‌دانند. بنیادی‌ترین دیدگاه ایشان مردود دانستن برتری نژادی در بین جوامع بشری است. به عبارت دیگر، تبیین خلقت یکسان برای همه انسان‌ها، مسئله تبعیض را در بین جوامع بشری مردود می‌کند. با توجه به کسب فضائل اکتسابی در مقابل فضائل ذاتی که در دین اسلام نیز به آن توجه شده، معلوم است که ملاک و معیار واقعی برای ارزش‌گذاری درباره انسان‌ها، فضائلی است که دست‌یافتنی است. مولا علی علیه السلام برای مقابله با تبعیض نژادی چه در مقام عمل و چه در مقام نظر، مطالبی ابراز داشته‌اند. در حقیقت ایشان، هیچ گروهی را بر گروه دیگر برتر نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند که انسان‌ها در آفرینش یکسان هستند؛ پس راهکارهایی که برای رفع معضل تبعیض نژادی ارائه می‌دهند، برای عموم مردم است، نه گروهی خاص.

حضرت علی علیه السلام برای از بین بردن تبعیض نژادی در زمینه نظری، به خلقت یکسان انسان‌ها و برادری بودن برخی از افراد جامعه اشاره می‌کنند. همین

امر سبب یکسان‌نگریستن به همه انسان‌ها می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان از فرمایش‌های ایشان راهبردهایی را استنباط کرد؛ بنابراین اگر در همه جوامع بشری بر اساس این راهبردها عمل شود، مانع نشر نژادپرستی در جوامع خواهد شد، خواه نژادپرستی افراد درون جامعه، خواه نسبت به افراد ملل دیگر.

در زمینه راهبرد عملی، فارغ از توجه به ارزش‌هایی چون رنگ پوست، منطقه جغرافیایی، زشتی، زیبایی و غیره، از فرمایش‌های حضرت علی علیه السلام می‌توان به کاربردی کردن اتحاد و همبستگی بین افراد جامعه، تعاون بر اساس نیکی و تقوا در بین افراد، اجرای عدالت اجتماعی، همگانی نمودن سنت مشورت‌کردن، صلح و مهریزی که همگی موجبات وحدت در بین افراد را فراهم می‌کند، اشاره کرد.

بدین ترتیب، بر اساس فرمایش‌های گوهر بار حضرت علی علیه السلام در منبع اصیل و نفیس نهج البلاغه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تبعیض نژادی در دین مبین اسلام مردود شناخته شده و مبنای تمایز و برتری بین انسان‌ها تقوا است. هیچ انسانی بر انسان دیگر، از هر نژاد و قومیتی که باشد، برتری ندارد. تبعیض بین افراد بشر عاملی برای سقوط و انحطاط و مانعی برای پیشبرد اهداف متعالی رشد و رسیدن به کمال مطلوب برای انسان‌ها محسوب می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۰، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم: فاطمه الزهراء.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ترجمه محمد دشتی، قم: بیت الاحزان.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و درر الکلم، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. جعفری، رسول محمد؛ جلالی، مهدی، ۱۳۹۰، «راهبردهای قرآن برای مقابله با تبعیض نژادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال هشتم، ش دو، صص ۱۶۳-۱۴۱.
۵. جعفری، سید اصغر، ۱۳۹۲، «حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (علیه السلام)»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، ش ۴، صص ۱۴۰-۱۰۹.
۶. جرداق، جرج، ۱۳۷۹، امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، ج دوم، تهران: فراهانی.
۷. حرانی، حسن بن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسین.
۸. خداوردی، حسن، ۱۳۸۴، صهیونیسیم؛ نژادپرستی و تبعیض نژادی، تهران، نشر مطالعات خاورمیانه.
۹. سبحانی نژاد، مهدی، رضایی، منیره، ۱۳۹۰، «ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، ش ۱۳، صص ۳۳-۹.
۱۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۳۶۲، الأمانی للصدوق، قم: نشر کتابخانه اسلامیه.

۱۱. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، مشکاه الانوار، نجف: نشر کتابخانه حیدریه.
۱۲. معتزلی، عبدالحمید بن ابی الحدید، ۱۴۰۴، شرح نهج البلاغه، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، بیست گفتار، تهران: نشر صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، عدل الهی، تهران: نشر صدرا.
۱۵. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۶۵، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، مندرج در سایت www.unic-ir.org.
۱۶. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۹۰، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. نوری، محدث، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، ج یازدهم، قم: آل بیت.
۱۸. همتی، همایون، ۱۳۷۳، سنت و سیاست در اسلام، تهران: آوای نور.
19. Australian Human Rights Commission, 2012, Racial Discrimination, Know Your Rights. Available at: www.humanrights.gov.au.
20. World Conference against Racism, Racial Discrimination, 2001, Xenophobia and Related Intolerance, The Government of South Africa for hosting this World Conference, Durban, South Africa.
21. Universal Declaration of Human Rights, 2014. Available at: www.Un.org.